

اقدام علیه امنیت ملی!

مروری بر حادثه خودسوزی همسر شهید



امیر محمد صدی

کارشناسی مهندسی مکانیک

از ویژگی های مانسلن های این است که وقتی خبری را زیاد بشنویم آن خبر برایمان از موضوعیت می افتد.کاری به دلیل روششناسی و فلسفی این ماجرا نذریم.هم‌امروز به یکی از همین مصادیق اشاره می کنیم که این قدر به آن اشاره شده که از اهمیت افتاده و کسی به آن توجهی نمی کند. آری مسأله مورد نظر مسأله وضعیت جانبازان و ایثارگران و خانواده های آنهاست که هر از چند گاهی خبری درباره آنها می شنویم و بدون این که اتفاقی بیفتد از کنار آن می گذریم. درد کهنه ای که هر از چند گاهی به جان جامعه ما می افتد و ما یا آنرا در نظر نمی گیریم و یا با مسکتنی به صورت موقت خاموشش می کنیم.

به راستی چرا وضعیت جانبازان باید این قدر اسفناک باشد و درد از کجاست که سال به سال درد آنها بیشتر و عمیق تر می شود. تغییر دولت‌ها هم دردی از آنها دوانمی کند.به راستی مشکل کجاست؟ به راستی مشکل کجاست که در طول سالهای مختلف بارها و بارها جانبازان اعتراض خود را به مقامات مختلف جمهوری اسلامی ساندند.ام‌تعبیری در وضعیت آنها چقدر نشد.است؟ به راستی مشکل از کجاست که همسر جایزای برای احقاق حق خودش از بنیاد شهید مجبور است تهدید به خودسوزی کند و یا بنا بر حال کسانی که بعد از خواندن این جمله تکلی نخورند و بهشان بر نخورد! در برابر این تهدیدنه تنها هم‌لموران کوچکترین واکنشی نشان نمی دهند بلکه به‌او حمله رم می شوند. باعث سوختن ایشان می‌شوند؟

و این خبر در سکوت مرگبار رسانه‌های داخلی سانسور می شود.رسانه‌های دولتی و غیر دولتی، حاکمیتی و غیر حاکمیتی چپی و راستی هیچ کدام به درد آنها نمی رسد و دریغ از کار کردن یک خبر در این باره به راستی ما را چه شده است.ما را چه شده است که به به کار کردن یک خبر در این باره راضی شده‌ایم؟! آیا این شهنا همان کسانی نیستند که امام بزرگوار ما در «هدوین سیاست های کلی نظام سلامی در دوران بازسازی» در اولین نکته در مورد

- محمد هادی پهلوی**
- کارشناسی مهندسی عمران**

جمهوری اسلامی ایران به جهت اهداف و آرمان هایی که بر پایه مبانی اسلام ناب محمدی دارد ، و این که با عزت توانسته دست غارتگران و استعمارگران را از منافع این کشور قطع کند و روی پای خودش بایستد و به جهت الگو شدن برای ملت های مسلمان دیگر ، تاگزی دارای دشمنانی است که به هیچ وجه چشم دیدن دستاوردها و پیش رفت های این کشور و نظام را نداشته و با تمام توان و با روش های مختلف از هر فرصتی استفاده میکنند تا آن را از اریشه نابود کرده واگر نینموانند ، منابع پیش رفت هاش هاده و در جهت کاهش سرعت آن عمل کنند .

حرف برای این که دشمنان ما دست از این دشمنی هار بردارند دور هار عمل پیش روی ما وجود دارد ؛ یا ما باید تسلیم شویم و از آرمان ها و اهداف اسلامی مان عقب بنشینیم یا اینکه با قدرتمند شدن دشمن را از بیبروزی ناامید کنیم .

ملت ایران با اعتقاد راسخی که برگرفته از اسلام ناب محمدی و مکتب الهی بیت است با وجود فمفاهیی چون شهادت و جهاد در راه خدا ویا نگاه به قفسیه کربلا هرگز در حرکت خود شکست نمی بیند و مرگ با عزت را بر زندگی با دالت ترجیح می دهد . ملت ایران با تمام توان رو به جلو

بازسازی به‌ایشان اشاره می کنندومی فرمایند: «با اینکه ظلمتینان داریم که خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ گاه راضی نشده و نمی‌شوند که در برابر ایثار عزیزانمان که فقط به خاطر خدا ورسیدن به کمال بوده است سخن از فداوه‌مادیات به میان آید و همت آنان بلندتر از این مقوله‌هاست، ولی بر دست لدر کاران نظام است که فوق و استعداد و توان خود را در هر چه بهتر رسیدن به‌امور معنوی و مادی و ارزشی و فرهنگی این یادگاران هدایت و نور به کار گیرند و از خدمت بی‌شائبه و بی‌منت به آنان دریغ نکنند»هر چه انقلاب کذب‌ه راستی مشکل کجاست؟
ایران داره از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. من می‌دانم که بسیاری از خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین به خاطر مناعت‌طبع و بزرگواری و اخلاق کریمه خود در مصایب و مشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده‌اند و با مراجعه‌شان به حداقل بوده است.و همه‌نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر و زرمندگان عزیز اسلام از طبقت محروم و کم درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند.ولی وظیفه‌ماست که در حدتوان مقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط

در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه

شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنان بها داده ضرورتی نمی‌بینم که به این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خوینهای مقدس شهیدان را برکونمایم که به‌مدالله تا به حال خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده‌اند و بعد از این نیز

به باری خدا پاسدار آن خواهند بود.»
صحیفه امام خمینی - جلد ۲۱ صفحه ۱۵۷ تا ۱۵۸
از امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و... بگنزم. آیا کوچکترین حق آنان این نیست که بدون پرداخت هزینه مدوا شوند و هزینه های ناشی از درمان را و شرایط مدوا برایشان فراهم گردد. دردی که می‌کشند نوش جانشان. اگر همسر یک جانباز اعصاب و روان هر روز بایستی هنگام موحی شدن همسرش از دست و پای او و جلوی چشم فرزندان‌ش له شود.مورد اهانت قرار گیرد، خوب نوش جان! (متأسفیم که باید حقایق را قرار گیرد، خوب نوش جان! اینگونه بیان کنیم) اما آیا نباید شرایط مدوا و زندگی معمولی برای او فراهم شود؟! آیا همسر جانباز اعصاب‌ورولی که هرروز باید از همسرش کتک بخورد، بایستی با آتشی که برخی مسئولین بی‌کفایت‌جمهوری اسلامی فراهم کرده اند هم بسوزد؟! آیا جانبازی که برای دفاع از ناموس این ملت ۳۰ سال است که رنج می‌کشد، باید ناموسش شرب‌را در خیابان بگذراند؟!فرشما!

شاید اگر تنها اعتراض به بنیاد شهید همین خانواده بود دلایل مضحک بنیاد مبنی بر دروغ گو و زیاده خواه بودن و وابسته به خارج بودن و... این خانواده را باور می کردم اما دریغ که اعتراض به رویه بنیاد یک استثنان نیست، یکی از کارهای روتین جانبازان شده است و بعد از تجمع ۱۴ اسفندماه جانبازان نخاعی مقابل بنیاد شهید جدیدنا خبردار

ان‌ه‌گاس

شماره ۹۳

صفحه ۴

صاحب امتیاز:

بسپج دانشجویی

مدیر مسئول:

میلااد چهار دولی

سر دبیر:

سید علیرضا فاطمی

هییت تحریریه :

محمد حسین مرادی / سبحان فلاح

احسان منگلی / حسین براتی

محمد حسن زاده / هادی مرادی

گرافیک و صفحه آرایی :

محمد جواد فلاحی

اصول سوارانِ

افساد طلب



سه دهه پدرخواندگی جریانات منفعت طلب

بر حوادث سیاسی ایران

به کجا چنین شتابان ... ؟					
صفحه ۳					
بلاور مات پلی‌تکنیک					
صفحه ۲					

امان نامهی صلح

تحلیلی بر حرکت اخیر آمریکا در سوریه

صفحه ۲

فرمانروایان افکارِ عمومی

نگاهی گذرا به نقش رسانه ها در اجتماع امروز

صفحه ۲

اتحادیه‌ی بی‌شعوران

فرماندار، خبرنگار و عموم مردم از بیشعوری

می‌گویند

صفحه ۳

توده مردم بی‌پشت و پناه یا اشراف و

خواص زیاد خواه؟

صفحه ۳

- سید علیرضا فاطمی**
- کارشناسی مهندسی عمران**

اصولگرا ، اصلاحطلب ، اعتدال ،بایداری، کارگزاران

، راست و چپ سنتی ، راست و چپ مدرن و جدیدا هم چمنا و ... اسامی ای هستند که در عالم سیاست باید زیر پرچم یکی از آنها بروید و اگر هم داستان به جایی می رسد دکالتی برای خود و چند تن از رفقایتان راه بیاندازید و روزنامه ای هم تگش بزیند تا جریان سومی شوید.البته می توانید مانند بعضی ها از نظر سیاسی یک پرچم را بوسه بزیند و از نظر فرهنگی جلوی دیگری زانو بزیند تا با یک بام در دوهوای مختلف تنفس بفرمایید و از مواهب الهی و سفره همیشه پهن انقلاب بهره بجویید. یک روز رگ اصولگرایت بالا بزند و روز دیگر در لیست اصلاح طلبان سر بچینایی.

اتفاق جالبی که در این عده آدم برجسی می افتد اینست که به تو میگویند تو یا با مایی یا علیه ما. اگر به اصولگرا انتقاد کنی در تیم اصلاح طلب قرار میگیری و اگر از اصلاح طلب انتقاد کنی در تیم اصولگرا شرف یاب میشوی. اگر هم از هر دو انتقاد کنی یا می گویند دیوانه ای و مجنون و یا می گویند جیره خوار نظامی و یا اینکه از اصحاب رسانه های معاند و اپوزوسیون به حساب میروی و احتمالاً به زودی مجبور میشوی به دامن همان ها پناه ببری.

این عزیزان آنقدر بزرگواریه که همیشه رئیس جمهور مناسب شما را تشخیص داده و او را به شما

- سید علیرضا فاطمی**
- کارشناسی مهندسی عمران**

اصول سوارانِ افسادطلب

بررسی جریانَات سیاسی حاکم

معرفی می کنند تا در انتخاب هوشمندانه شما کمک نمایند و در اوان انتخابات بسیار دلسوز مردم شده اند؟! یا تا به حال پای صحبت همسر و فرزند یک جانباز نشسته اید؟! آیا برایتان قابل تصور است که هر روز به جای اینکه پدترتان دست نوازش بر سرتان بکشد جلوی چشم شما مادرتان را به بدترین وجه ممکن کتک بزنند؟! و هزاران سوال دیگر که حتی حاضر به شنیدن آن‌ها هم نیستیم۔

اصلاح هیچ ارزشی نداشته و در واقع اصلاح نظام اسلامی به نظام غیر اسلامی خواهد بود. یا اگر معتقد به اصولی باشیم که باعث شود هیچ اصلاح و تغییری در حالیکه هیچ احساس تکلیفی نسبت به عملکرد گذشته خود هم ندارند و روز را از زانو شروع میکنند و بیشتر در راستای آرمانهای انقلاب خواهد بود، زیرا گفتمان انقلاب اسلامی روز به روز در حال پیشرفت است و به روز رسائی می شود.

اصلاح نیز عده ای با شعار اعتدال، با شعار پرهیز از افراط، سعی میکنند جریان مؤمن را که در خطرها، آن جریان است که زودتر از همه سینه سپر میکند، آن جریان است که دولتها را در مشکلات واقعی به معنای حقیقی کلمه حمایت میکند، کنار بزنند. این اعتدال این نیست که ما از کارهای احساس وظیفه‌ای که فرد مؤمن، جریان مؤمن، مجموعه‌ی مؤمن انجام میدهد، جلوگیری کنیم.

اما تکلیف ما چیست؟ آیا سینه سپر کردن برای جریاناتی که حتی معنای واقعی آنها را نمی‌دانیم و هر روز رنگ عوض می کنند و افراد شاخصشان از لیبسی ببینیم این آقایان دقیقاً از چمانان چه میخواهند و چه میگویند. چه چیز را می خواهند اصلاح کنند؟ برچه اصولی پایبندند و بافشاری می کنند یا در مقابل چه چیزی پایدارند و اعتدال را چه معنی میکنند؟ و اینکه چه کسی به آنها گفته است که شما انقلابی هستید و لابد بقیه در باند مخالف در حال حرکتند؟ آیا لازم نیست برای یکبار هم شده این عزیزان تعریف مناسبی از جریانی که بر آن سوارند را ارائه دهند؟ چیزی که واضح است اینست که ما اگر بدون اعتقاد به اصول نخواهیم دست به اصلاح بزینم ، این رهبر معظم انقلاب در مورد جریانات سیاسی رایج

